

وی فرزند است پس بسپارید و گفتند فایز فرزند فایز فرزند فایز فرزند
 منباید و منباید و در آن سال که در همین سال که در گذشته اند
 و قابل آن حج که ملک زاده ایشان بود همراه بود از وی از آنکه گفت
 پیش از آن که رسول صلی الله علیه و سلم باصحاب می رسیدم ملا
 کردم گفتند سه روز است که رسول صلی الله علیه و سلم با القدر و م تو
 بشارت داده است پس رسول صلی الله علیه و سلم آمدیم و ایمان آوردیم
 در آن سال که در همین سال سعید بن ابی وقاص رضی الله عنه و کرم
 در آنام قحبه الودان مرض عارض شد رسول صلی الله علیه و سلم عیادت
 وی آمد سعید رضی الله عنه گفته است که گفتیم یا رسول الله من از آنجا بود
 در کمانه رسول صلی الله علیه و سلم گفت ان الله قد اعی فی تعالی تر ایدارد
 که چون بمانی خبر و رحمت تو زیادت کرد و در غلبه های تنگوار ظهور را بدو
 از تو شفقت رسد و قومی را از تو حضرت بعد از آن سعید صحبت یافت
 و تا ایام معاویه بر نیست رضی الله عنه و عسراق بر دست وی و منی
 بن حارثه رضی الله عنهما فتح شد و در بوم الزده حرب بسیار کرد و کار
 غنیمت از وی گرفتند و اهل اسلام را شفقت رسید و اهل دست را

حضرت جنانکه رسول صلی الله علیه و سلم فرموده بود **عنه**
 که بی از اصحاب گفته است که در قحبه الودان سبکی از خانه های مکه بودیم
 رسول صلی الله علیه و سلم در آنجا بود که با که روی وی دایره ماه بود مردی از
 اهل یاممه کودکی در چشمه سجده آورد رسول صلی الله علیه و سلم از آن کودک
 پرسید که من آنکست انت رسول الله فرمود که صدقت پس گفت
 بارک الله فیک بعد از آن آن کودک سخن بگفت تا بزرگ شد و آن کودک
 مبارک الهیامه نام گرفته **در آن سال که در همین سال** که اسامه بن زید رضی الله
 عنه گفته است که چون رسول صلی الله علیه و سلم حج گرفت و بر ا
 در راه زنی پیش آمد کودکی بر دوشش سلام کرد رسول صلی الله علیه و سلم
 پرسید آن زن گفت یا رسول الله این پس منست و از آن روز باز
 که در راه آمده ام و بر این من می میگردد که از آن نعمت می یابید رسول صلی
 علیه و سلم دست مبارک در آید کرد و آن کودک از آن زن گرفت
 و آب نان در دهان می انداخت و گفت اخرج عدو الله انما رسول الله
 پس بر اباد در شن داد و گفت و بر البستان که من بعد از وی بسجده
 می که از آن کرده داری چون در وقت مرگت بجهان موضع رسیدم

مکه باز خواهم

نعمت نماند